59911 ـ عقیدۀ اسلامی یک روش عملی و جدی است، و کتاب‌های مهم در عقیده

سوال

آیا عقیدۀ اسلامی یک روش نظری است یا روشی عملی و جدی؟ کتاب‌هایی که برای آموختن عقیده به آن‌ها رجوع می‌شود کدامند؟ چگونه می‌توان عقیده را در سایۀ این واقعیتِ [موجود] پیاده کرد؟ راه‌های آموختن عقیده چیست؟ آیا انجام دادن بخشی از اسلام و رها کردن بخشی دیگر (مثلاً نماز بخواند اما زکات ندهد، یا چشمانش را از نامحرم فرو نپوشد و پیامدهای آن) اختلال در عقیده به شمار می‌رود؟ آیا مسلمانانِ امروز نیازمند کسی هستند که به آنان عقیده بیاموزد؟

خواهشمند است توصیه‌هایی را برای کسی که می‌خواهد عقیدۀ صحیح را بر روش صحابه رضی الله عنهم بیاموزد، بیان فرمایید.

خلاصه‌ی پاسخ

عقیدۀ اسلامی یک روش نظری و فلسفی نیست، بلکه روشی عملی و جدی است؛ زیرا عمل، رکنی استوار در این عقیده است و از همین رو، اهل سنت اتفاق‌نظر دارند که ایمان، قول و عمل است؛ یا به عبارتی: گفتن با زبان، باور با قلب، و عمل با اندام‌ها و ارکانِ بدن است. اما راه‌های آموختن عقیدۀ صحیح، یادگیریِ مستقیم از اهل آن یعنی علمای دانا به عقیده و عمل‌کننده به مقتضای آن است، و این سالم‌ترین و سودمندترین راه برای کسی است که این امر برایش فراهم باشد.
کتاب‌های مفید در زمینۀ عقیده را در پاسخ مشروح ببینید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

عقیدۀ اسلامی، روشی عملی است

عقیدۀ اسلامی یک روش نظری و فلسفی نیست، بلکه روشی عملی و جدی است؛ زیرا عمل، رکنی استوار در این عقیده است و از همین رو، اهل سنت اتفاق‌نظر دارند که ایمان، قول و عمل است؛ یا به عبارتی: گفتن با زبان، باور با قلب، و عمل با اندام‌ها و ارکانِ بدن است.

پس هر کس به الله تعالی به عنوان پروردگار و معبود ایمان بیاورد، او را بندگی می‌کند و با نماز و زکات و مانند آن، امر او

را اطاعت می‌کند.

و هر کس به روز قیامت و حساب و جزای آن ایمان داشته باشد، این باور او را به انجام آنچه الله فرمان داده و ترک آنچه از آن نهی کرده است، فرامی‌خواند.

و هر کس ایمان داشته باشد که محمد ﷺ فرستادهٔ الله است، این ایمان او را به طاعت از ایشان، پیاده کردن سنتشان و نشر آیینشان سوق می‌دهد.

و به این ترتیب، اصول و مبانی‌ای که انسان به آن‌ها باور دارد، به اعمال، گفتارها، تلاش و مجاهدت ترجمه می‌شود؛ و هر چه ایمان در قلب افزون گردد، آثار آن بر اندام‌های بدن بیشتر آشکار می‌شود.

از همین رو، پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «آگاه باشید که در بدن تکه‌گوشتی است که هرگاه اصلاح شود، تمام بدن اصلاح می‌گردد و هرگاه فاسد شود، تمام بدن فاسد می‌شود؛ آگاه باشید که آن همان قلب است». به روایت بخاری (۵۲) و مسلم (۱۵۹۹).

حسن بصری رحمه الله می‌گوید: «ایمان به آرزو کردن و آراستن خود [با کلمات و مظاهر] نیست، بلکه چیزی است که در دل استوار گردد و عمل، آن را تصدیق کند».

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «پس هرگاه قلب به سبب ایمان علمی و قلبی درونش صالح باشد، به ناچار صلاح بدن نیز در گفتارِ آشکار و عمل ظاهری پدید می‌آید؛ همان‌طور که پیشوایان اهل حدیث گفته‌اند: ایمان قول و عمل است؛ قول باطن و ظاهر، و عمل باطن و ظاهر؛ و ظاهر، تابع باطن و ملازم آن است، به طوری که با صلاح باطن، ظاهر نیز صالح می‌گردد و با فساد آن، ظاهر هم فاسد می‌شود. از همین رو، یکی از صحابه دربارهٔ نمازگزاری که در نماز با دست خود بازی می‌کرد گفت: اگر قلب این شخص خاشع می‌بود، اندام‌هایش نیز خاشع می‌شدند.». پایان نقل قول از «مجموع الفتاوی» (۷/۱۸۷).

کتاب‌های مفید در زمینهٔ عقیده

اما کتاب‌هایی که برای آموختن عقیده به آن‌ها رجوع می‌شود فراوانند و بزرگترینِ آن‌ها کتاب الله تعالی و سنت رسول او ﷺ است، که در آن دو برای هر کس به آن‌ها تمسک جوید، مصونیت و نجات است. علما به تبیین عقیدهٔ صحیح و نشر آن اهتمام ورزیده‌اند و برای این هدف کتاب‌های بی‌شماری نگاشته‌اند که از مشهورترینِ این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ـ «السنة» نوشتهٔ عبدالله بن احمد بن حنبل،

۲ـ «التوحید» نوشتهٔ ابن خزیمه،

۳ـ «شرح أصول اعتقاد أهل السنة» نوشتهٔ لالکائی،

۴- «عقیدة السلف وأصحاب الحدیث» نوشتهٔ صابونی،

۵- «العقیدة الواسطیة» نوشتهٔ ابن تیمیه،

۶- «العقیدة الطحاویة» و شرح آن نوشتهٔ ابن ابی العز حنفی،

۷ـ «لوامع الأنوار البهیة» نوشتهٔ سفارینی،

۸ـ «معارج القبول» نوشتهٔ حافظ حکمی،

۹ـ «الإرشاد إلی صحیح الاعتقاد» نوشتهٔ شیخ صالح فوزان؛ که این کتاب آخر، اثری آسان، ساده و سودمند است.

آموختن عقیدهٔ صحیح

اما پیاده کردن عقیده در شرایط موجود، با یادگیری، نشر، دعوت به سوی آن و پاسخ به مخالفانش از راه حکمت و اندرز نیکو محقق می‌شود؛ زیرا با این کار، عقیده گسترش می‌یابد، آثارش نمایان می‌گردد و مردم در سایه‌سار آن بهره‌مند می‌شوند.

از سوی دیگر، راه آموختن عقیده، یادگیری مستقیم از اهل آن یعنی علمای دانا به عقیده و عمل‌کننده به مقتضای آن است و این سالم‌ترین و سودمندترین راه برای کسی است که چنین امکانی داشته باشد. اما کسی که از علما دور است، باید به شروح، نوشته‌ها و فایل‌های صوتی آنان رجوع کند و هر جا با ابهام و پیچیدگی روبه‌رو شد، پاسخ آن را جویا شود.

اگر انسان به برخی از احکام اسلام عمل کند و برخی دیگر را رها سازد ـ به این صورت که برخی واجبات را ترک کند یا مرتکب برخی محرمات شود ـ این کار سبب کاهش ایمان و ضعف در یقین و محبتش به پروردگار و دین می‌شود و بدون شک، نوعی اختلال در عقیده به شمار می‌رود.

از همین رو، یکی از اصول اهل سنت و جماعت این است که ایمان با طاعت افزون می‌شود و با معصیت کاهش می‌یابد؛ و چه بسا این کاستی و اختلال، اصل ایمان را به طور کلی از بین ببرد و فرد را از اسلام خارج و مرتد سازد، همان‌طور که در صورت ترک نماز چنین می‌شود؛ بنگرید به پاسخ سؤال‌های شمارهٔ (5208) و (2182).

اما گناهانی که به حد کفر نمی‌رسند، مانند نپرداختن زکات واجب یا فرو نپوشاندن چشم از نامحرم و کارهایی از این دست،

تنها از میزان ایمان می‌کاهند.

امروزه مسلمانان نیازمند کسانی هستند که عقیدهٔ صحیح و پاک را بر پایهٔ کتاب و سنت و با فهم سلف صالح برایشان تبیین کنند؛ چرا که جهل فراگیر شده و بدعت‌ها، خرافات و جریان‌های فکری منحرف گسترش یافته‌اند.

پس بر هر مسلمانی واجب است که ابتدا با یادگیری عقیدهٔ صحیح و دریافت آن از منابع مطمئن، خیرخواه خود باشد و سپس برای ادای واجبِ ابلاغ و روشنگری، به نشر و آموزش آن به مردم از طریق درس‌ها، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها، بروشورها و مجلات بپردازد؛ همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلا تَكْتُمُونَهُ [آل عمران: ۱۸۷] (و [یاد کن] هنگامی را که الله از کسانی که به آنان کتاب داده شده بود پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم تبیین کنید و پنهانش مدارید)، و می‌فرماید: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ [آل عمران: ۱۰۴] (و باید از میان شما گروهی باشند که [مردم را] به نیکی فرا بخوانند و به کار پسندیده فرمان دهند و از کار ناپسند بازدارند، و اینان همان رستگارانند).

و می‌فرماید: قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ [یوسف: ۱۰۸] (بگو: این راه من است؛ من و هر کس که از من پیروی کرده، با بینایی [و حجت روشن] به سوی الله دعوت می‌کنیم، و منزه است الله، و من از مشرکان نیستم).

والله تعالی اعلم.